

## خبر

## نظامیان مقصدر خروج آمریکا از افغانستان، در انتظار دادگاه

♦ برخی از اعضای فعال در تیم دونالد ترامپ که در پروژه انتقال دولت فعال هستند، در حال تهیه فهرستی از افسران ارشد فعلی و نظامیان سابق ایالات متحده هستند که به طور مستقیم در خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان نقش داشته‌اند. به گفته این منابع آگاه، تهیه‌کنندگان این فهرست سپس بررسی خواهند کرد که کدام‌یک از این نظامیان باید در دادگاه نظامی محاکمه شوند.

دونالد ترامپ در یکی از نطق‌های تبلیغاتی خود از نظامیانی که در خروج «فاجعه‌بار» نیروهای آمریکایی از افغانستان نقش داشته‌اند، خواست که استعفای خود را در روز نخست حضور دوباره او در کاخ سفید روی میزش بگذارند. رئیس‌جمهوری منتخب ایالات متحده خروج ارتش آمریکا از افغانستان را در دوران ریاست‌جمهوری جو بایدن، «شرم‌آورترین روز در تاریخ آمریکا» توصیف کرده است.

منابع آگاه به شبکه ان‌بی‌سی گفته‌اند که حتی احتمال دارد برخی از نظامیان آمریکایی به اتهام خیانت در دادگاه نظامی محاکمه شوند. با این حال مشخص نیست که چگونه از نظر قانونی اتهامات «خیانت» توجیه خواهد شد، چون که نظامیان آمریکایی از دستورات جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا، برای خروج همه نیروهای آمریکایی از افغانستان پیروی کرده‌اند.

هر چند که هنوز تیم ترامپ خبر منتشرشده در ان‌بی‌سی را تأیید نکرده است، ولی ناظران مستقل معتقدند که هر دو دولت ترامپ و بایدن در خروج ایالات متحده از افغانستان در سال ۲۰۲۱ نقش داشته‌اند.

ترامپ برای نخستین بار در سال ۲۰۲۰ با طالبان درباره خروج ۱۳ هزار سرباز آمریکایی و آزادی پنج هزار ستیزه‌جوی طالبان به توافق رسید. دولت جو بایدن نیز با برآورد نادرست از توان حکومت قانونی افغانستان در مقابله با حمله طالبان پروژه خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان را که به سلطه کامل طالبان انجامید، تکمیل کرد. بیت هکست، گزینه دونالد ترامپ برای وزارت دفاع ایالات متحده، نیز پیش‌تر از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان انتقاد کرده و این عقب‌نشینی «تحقیرآمیز» را شکست نظامی و به هدر رفتن میلیاردها دلار آرزایی کرده بود.

## یادداشت

## چهره دوم قدرت

جمله «ایران جامعه مسائل حل‌نشده است» که حتما بسیار آن را از سسوی جامعه‌شناسان شنیده‌اید، تأکیدی است بر این امر. بر اساس این ادعا، علی‌رغم مشخص‌بودن مسائل، مشکلات، نارایی‌ها و نتایج سیاست‌های غلط در بخش‌های مختلف، نتها

شاهد حل آنها نیستیم، بلکه هر روز بر پیچیدگی و حجم آنها نیز افزوده می‌شود. این موضوع به قدری جدی است که بارها شاهد طرح آن در حضور مقامات ارشد نظام نیز بوده‌ایم تا جایی که عدم تصمیم‌گیری به بحرانی جدی در کشور تبدیل شده و اثرات زیان‌باری از خود در جامعه به جای گذاشته است؛ اثراتی چون گسترش فقر، محیط زیست ناسالم، بحران‌های اجتماعی و موارد بسیار دیگر.

اما چرا با این پدیده مواجهیم؟ این موضوع از دو جنبه قابل بررسی است؛ یک جنبه متمرکز بر عدم شایسته‌گزینی و ناکاگاهی و ناتوانی در ارائه راه‌حل از سسوی سیاست‌گذاران است که البته موضوع بحث ما نیست و جنبه دوم متمرکز بر آگاهی و مبتنی بر تغییر دستور کار و کنترل مؤلفه‌های بحث و مسئله با انگیزه‌های مختلف است که از آن تحت عنوان اعمال قدرت عدم تصمیم‌گیری یاد کردیم. انگیزه‌ها و روش‌های اعمال این سیاست می‌تواند بسیار متعدد باشد. برخی از آنها عبارت‌اند از: جلوگیری از موفقیت رقیب پیروز در انتخابات، کاهش مشروعیت سیاسی یک تفکر، تثبیت بهره‌برداری از منافع حفظ وضع موجود، جلوگیری از درگ منافع واقعی توسط مردم، پنهان‌ماندن تعارض منافع در عرصه قدرت و جلوگیری از فروپاشی نگرش‌ها و ارزش‌های حاکم بر پایگاه اجتماعی یک تفکر خاص. همه این اهداف با اعمال قدرت عدم تصمیم‌گیری در دسترس خواهند بود. لوکس معتقد است این‌چهره از قدرت قبل از چهره اول عمل می‌کند؛ یعنی قدرتی است که تنها نتها نمی‌گذارد به حل مسائل بردازی و تصمیمات سخت بگیري، بلکه حتی اجازه نمی‌دهد زمینه بحث درباره آن نیز فراهم شود. به تعبیر دیگر، اعمال چهره دوم قدرت می‌تواند شرایطی را فراهم آورد که حتی ورود به مسئله منافی ارزش‌ها جلوه کند، درحالی‌که در اصل می‌تواند چنین نباشد. روش‌های اعمال این چهره از قدرت نیز همچون انگیزه‌های آن متعدد است. تغییر دستور کار یا تغییر اولویت‌بندی آن، انحصار در افکار عمومی جهت بی‌اهمیت یا مخرب جلوه‌دادن یک تصمیم، تحرک‌بخشیدن به تعصبات و عدم وفایق، تضعیف نقش گروه‌ها و تشکلهای مردمی و همچنین احزاب، خبرسازی رسانه‌ای و پیش‌دآوری، سعی در ورود به عرصه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و دستکاری در آنچه مردم می‌اندیشند و می‌خواهند اما در نهایت آنچه نصیب مردم خواهد شد، اب‌نوهی از تاتراژی‌ها، شکاف‌ها، عقب‌ماندگی‌ها و توسعه‌نیافتگی است.

چهره دوم قدرت، قدرتی مخفی و غیرشفاف است که می‌تواند ماهیت ضدتوسعه‌داشته باشد و منافع را به‌طور موقت به سمت طبقات جدید از قدرت هدایت کند و از این جهت موقت که به واسطه ماهیت ضدتوسعه‌ای در نهایت گریبان همه طبقات را خواهد گرفت و نتایج ناکواری برای کل جامعه به همراه خواهد داشت. چهره دوم قدرت مانع تصمیم‌گیری‌های سخت خواهد شد و درحالی‌که مسئله و راه‌حل مشخص است، اجازه تصمیم‌گیری را به سیاست‌گذار نمی‌دهد یا در فرایند تصمیم‌گیری انحراف ایجاد کرده و نتایج دیگری را به دست می‌دهد، به‌گونه‌ای که ظاهر نتایج با باطن آن متفاوت خواهد بود.

اما راهکار چیست؟ به نظر می‌رسد یک روش تقویت نهادهای مدنی از طریق توجوه و اهمیت‌دادن به تشکلهای سیاسی، حرفه‌ای، تخصصی و صنفی و مشارکت‌دادن آنها در تصمیم‌سازی است. همچنین حمایت قانونی از این نهادها از مرحله تأسیس تا اظهارنظر، آزادی در تأسیس با حداقل بوروکراسی و آزادی در نقد و اظهارنظر حتی اگر همراه با خطا باشد و تقویت احزاب و رفتن به سمت یک نظام حزبی با کمترین مداخله دولت‌ها. روش دیگر که به نظر می‌رسد اگر در وجوه نظری آن به اشتراک برسیم و درست اجرا شود و تحقق یابد، نوعی توافق و تفاهم میان دو بعد و چهره قدرت یعنی چهره تصمیم‌گیری و عدم تصمیم‌گیری است. منافع ملی بهترین وجه مشترک این تفاهم می‌تواند باشد. اگرچه در تشخیص منافع ملی نیز اختلاف‌نظریهایی هست، ولی می‌توان با توافق‌سازی‌های کوچک آغاز کرد. اگر به این اشتراک برسیم که روش‌های پیشین نتایج ضدتوسعه‌ای به بار آورده و این نتایج اعتماد عمومی را کاهش داده و کارآمدی دولت‌ها را با سؤال مواجه کرده است، چارهای جزو فایق نخواهیم داشت.

در پایان ذکر این نکته را ضروری می‌دانم که نگذاریم وفایق نیز به دام عدم تصمیم‌گیری گرفتار آید که اگر چنین شود و از اهداف واقعی خود دور بماند و در ادامه مسیر منافع باندی و گروهی جایگزین منافع ملی و خیر عمومی شود، به شرکت سهامی قدرت تبدیل خواهد شد و اعتماد عمومی در این شرکت کالایی خواهد بود که شاید نتوان دیگر آن را به دست آورد.

مایه افتخار و مباهات است که در ایسن جمع فرهیخته حضور پیدا کنم. این جلسه برای من ازجمله نشست‌هایی است که با اشتیاق در آن شرکت کرده‌ام؛ چراکه شخصیت ولای مرحوم فیرچی و احساس دین نسبت به ایشان، مرا بر آن داشت تا با کمال افتخار این دعوت را پذیرفته و در این مراسم حضور یابم.

درگذشت این مرد شریف که یکی از چهره‌های برجسته علمی و اخلاقی بود، همگان را به‌شدت متأثر کرد. او از سرمایه‌های ملی ما بود که فقدانش ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر به شمار می‌رود. از این‌رو، جا دارد، از انجمن اسلامی

دانشکده صمیمانه تشکر کنم که با برگزاری این مراسم، یاد و خاطره این استاد فرهیخته را گرامی داشته‌اند. این روزها کمتر شاهد چنین قدردانی‌هایی از بزرگان علمی و فرهنگی هستیم. حتی ممکن است بسیاری از دانشجویان امروز، مرحوم فیرچی را به‌طور مستقیم ندیده باشند، اما نام و آوازه این شخصیت بزرگوار همچنان در دانشکده ظنین‌انداز است و مایه افتخار دانشجویان و استادان به شمار می‌رود.

آنچه در این جلسه به آن خواهیم پرداخت، نظریه سیاست و مسئله ایران از نگاه مرحوم فیرچی است. البته باید اذعان کنم که خود را در این حوزه صاحب‌نظر نمی‌دانم و قطعا استادان دیگر که در این مراسم صحبت خواهند کرد، شایستگی بیشتری برای پرداختن به این مباحث دارند. بااین‌حال، بر اساس شناخت شخصی از مرحوم فیرچی و مطالعاتی که درخصوص مقالات و آثار ایشان داشته‌ام، نکاتی را به اختصار ارائه می‌کنم.

مرحوم فیرچی ازجمله اندیشمندانی بود که در دو مدرسه متفاوت رشد یافته بود؛ مدرسه دینی و مدرسه مدرن. او نقطه تلاقی این دو مدرسه بود و توانسته بود با بهره‌گیری از منطق علمی هر دو حوزه، به تفکری جامع و عمیق دست یابد. این عمق و یکپارچگی ذهنی، مرحوم فیرچی را به یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان مدرن ایران تبدیل کرد. کسانی دیگر هم شاید پیش از انقلاب مشهور به این ویژگی ترکیبی بودند، ولی عمق نگاه و یکپارچگی ذهنی مرحوم فیرچی نسبت به اقران خود حتی اندیشمندان پیش از انقلاب فزون‌تر بود. به هر روی، او درصدد بود با روش تحقیق علمی و مدرن به نظریه سیاست و مسئله ایران بپردازد. از همین‌رو، آنچه او از سنت استخراج کرده است، تفاوت‌های بسیاری با اقران پیشین خود دارد. این نظر من مرحوم فیرچی یک اندیشمند مدرن بود و هیچ‌گاه تلاش نمی‌کرد که یک این‌همانی میان مفاهیم مدرن و مفاهیم دینی برقرار کند. این نقطه قوت مرحوم فیرچی است که در پی این ادعای خام نبود که بگوید ما همه اینها را پیش از این داشته‌ایم و بی آن دچار تناقض‌های فکری و رفتاری وحشتناک شود.

این روش و طرز تفکر را در نخستین کار او یعنی «قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام» می‌توان دید. او در این کتاب، با نگاهی مدرن به مبانی فقهی اقتدار دینی می‌پردازد که در حد خود کاری ابداعی است. او با این کار از اقتدار دینی تقدس‌زدایی می‌کند. فیرچی تحت تأثیر فوکو و گادامر، اقتدار مقدس نهفته در حکومت به نام دین را محصول تأثیرات دانش و روابط قدرت در محیط ظهور و بروز اسلام و گرت‌برداری عرب‌ها از نظام‌های پادشاهی ایران و روم بر فهم آنان از متن دین می‌داند و این مدعا را در میان می‌گذارد که نگاه اقتدارگرایانه به سیاست در محیط اسلامی، لزوما ضروری دین نیست، بلکه معلول نظریه سیاسی و روابط قدرت در جزیره‌العرب و دادوستد آن با پادشاهی‌های آن دوران از رهگذر توسعه حیطه قلمرو سلطه مسلمانان است. از این‌رو، درصدد برمی‌آید تا فهم متن دینی را از تأثیرات تاریخی و محیطی آن منتزع کند. در نتیجه، یکم، بنیان قرائت‌های اقتدارگرایانه از فقه را سست می‌کند و دوم، تلاش می‌کند تحت تأثیر دانش روز به مفهوم بنیان نظری سیاست و روابط قدرت در دنیای مدرن، متن دینی را بازخوانی کند. کاری که مرحوم فیرچی کرده، نیازمند شهامت علمی بالایی است و او این شهامت را داشته است؛ به‌ویژه اگر شرایط دهه ۷۰ در عرصه سیاسی و محیط‌های دانشگاهی ایران را در نظر داشته باشیم. من کار ایشان را با کار محمد عبدالجباری مقایسه می‌کنم. او نیز زمانی که سیاست در جهان عرب را تحت عنوان عقل سیاسی عربی تبیین می‌کند، آن را تحت تأثیر سه عنصر عقیده، قبیله و غنیمت می‌داند. با این تبیین، نظامی که تحت تأثیر قبیله و غنیمت استقرار و توسعه یافته است، چه تقدسی دارد؟ چرا باید آن را مقدس شمرد؟ وقتی عبدالجباری نقش قبیله و غنیمت را در شکل‌گیری نظام‌های حکومتی در پس از اسلام طرح می‌کند، به نحوی تمام تقدس حکومت خلفا نزد اله سنت را یکباره فرو می‌ریزد. از این‌رو، کار ایشان بسیار مهم و سنگ است. او مرد بسیار بزرگی در جهان اسلام بوده و بنیان‌گذار نظریه جدید در فهم تحولات جهان اسلام است. هرچند روشن نیست که چرا او از نظریه تاریخی این‌خلدون، هم‌وطن خود، مبنی بر تأثیرگیری عرب‌ها از سنت حکمرانی ایرانی بدون توجه عدول می‌کند و عده‌ای این را دلیل بر تعصب عربی او می‌دانند. البته مرحوم استاد سیدجعفر شهری هم تا حدودی در همان راستای اندیشه عبدالجباری به نقش قبیله و غنیمت در شکل‌دهی جنگ‌ها و نحله‌های فکری صدر اسلام اشاره می‌کند، اما این عبدالجباری است که موفق به ارائه یک نظریه منسجم در این زمینه می‌شود. از نظر من، کار مرحوم فیرچی در جهان تشیع با کار عبدالجباری کاملا قابل قیاس و مطالعه تطبیقی است.

بنابراین، اولین درسی که من از مرحوم فیرچی می‌آموزم، تفکیک نص و متن دینی از سلطه دانش و شبکه قدرت در دوره‌های تاریخی است. اگر همین آموزه در جهان سیاست در ایران فهم شده بود، قطعا ما شاهد وضعیتی متفاوت از وضع موجود بودیم.

پیش از مرحوم فیرچی نیز اندیشمندانی همچون مرحوم استاد عبدالهادی حایری به تبیین فرایند و نحوه رویارویی اندیشه‌وران مسلمان، به‌ویژه شیعه و ایرانی با اندیشه مدرن بودند، ولی برجستگی کار مرحوم فیرچی در ورود به مبنای نظری و تجزیه رویکرد اندیشه‌وران به‌ویژه فقیهان دوران مشروطه به مفردات آن است. او تلاش می‌کند با تبارشناسی رویکرد فقیهان متأخر و ارجاع آن به دو مدرسه شیخ انصاری و صاحب جواهر به مبانی مشروعیت سیاست و قدرت به فهم ما از نظریه نائیبی در جریان مشروطه کمکی مؤثر کند. او به ما نشان می‌دهد چگونه مرحوم نائیبی تحت تأثیر دانش زمان و روابط قدرت، موفق به استنتاجاتی از قواعد و مسائل فقهی می‌شود که پیش از آن بی سابقه بوده است. برداشت استعاری از دو مفهوم عبد و مولا و احکام فقهی وقف در تبیین ضرورت توجبه به نظر شهروندان و مشروط‌کردن قدرت در ساختار حکومتی مسلمانان، روایتی بدیع از بازخوانی اندیشه نائیبی است. فیرچی نشان می‌دهد که چگونه مرحوم نائیبی با انتزاع ذهنی از حکم فقهی ضرورت محدود‌وسازی دامنه تصرف متولی غاصب در امر موقوفه، به ضرورت مشروطه‌کردن قدرت حاکم در فرایند حکمروایی توسط شهروندان می‌رسد. علاقه‌مندان را به مقاله ایشان تحت عنوان «استعاره‌های دولت در فقه معاصر شیعه» ارجاع می‌دهم.

# منظومه فکری فیرچی و مسئله ایران



عباس آخوندی

به گمان من، مرحوم فیرچی مباحث نظری را به‌خوبی تبیین می‌کند اما در تبیین مسئله ایران متوقف می‌شود. او به مفهوم و کارکرد دولت-ملت مدرن با چارچوب نظری قرارداد اجتماعی جدید باور دارد. با این وجود، در تبیین هویت و ماهیت و تعریف ملت ایران چندان موفق نیست. می‌دانیم که مسئله اصلی مرحوم سیدجواد طباطبایی بنیان‌گذاری یک نظریه سیاسی برای تعریف ملت ایران در رهگذر تأسیس دولت-ملت مدرن ایرانی است. او به‌خوبی دریافته بود که نظریه سیاسی در ایران مستقل از قرائت تاریخی از هویت ملی و تعریف ملت در ایران امکان‌پذیر نیست و نیز می‌دانیم که

مرحوم فیرچی شاگرد مرحوم سیدجواد بوده است.

مرحوم فیرچی با حفظ احترام استاد به نقد نظریه او می‌پردازد. او بنیان دولت- ملت مدرن را بر نظریه قرارداد اجتماعی جست‌وجو می‌کند و دولت مدرن را نتیجه آن می‌داند. از همین‌رو، مشروطه که طی آن قانون اساسی مشروطه به عنوان یک قرارداد اجتماعی به توشیح پادشاه می‌رسد، برای او از اهمیت بسزایی برخوردار است. او برای دوره مشروطه و قرائت‌های نویی که طی آن از فقه و بنیان حکومت و پذیرش حق شهروندی برای رعیت صورت گرفت، اهمیت فراوانی قائل است. او بر این باور است که هنوز باید مسائل را به مشروطه ارجاع داد و بحث آغازشده در مشروطه را غنا بخشید تا به یک چارچوب نظری برای حکومت رسید. با این وجود با تقلیل مشروطه به قرارداد از پرداختن به امر ملی احتراز می‌کند. دقیقا همان مسئله‌ای که استادش نقطه نقل بحث نظری خود را بر آن قرار می‌دهد.

مرحوم فیرچی درصدد این بود که با بازخوانی فقه مشروطه و تحولات پس از آن یک حکومت مشروطه و مدرن در قالب یک قرارداد اجتماعی نوین برای ایران ترسیم کند. نقد من به مرحوم فیرچی این است که تاریخ شروع این قرارداد چه زمانی است؟ من این نقد را در زمان حیانتاش به شخص خودشان نیز عرض کرده‌ام. آیا تاریخ این قرارداد از زمان شکل‌گیری هویتی به نام ملت ایران در اعصار گذشته است که تاکنون در تحولات تاریخی اصلاحیه‌های مختلفی به آن خورده است؟ و یا اینکه یک قرارداد جدید است؟ آیا اساسا می‌توان برای یک ملت تاریخی چون ایران، یک قرارداد جدید نوشت و از تاریخ منقطعش ساخت؟ من بر این باورم که قرارداد‌های اجتماعی در ملت‌های تاریخی قرارداد‌های نوینباد نیستند. در واقع تحولات تاریخی همه اصلاحیه‌هایی بر قراردادهای اجتماعی پیش از خود هستند.

به‌گمان من یکی از مشکلات اندیشه و نظریه سیاسی در کشور هم همین است. خوب به یاد داریم که مرحوم شیخ صادق خلخالی می‌گفت که امروز یک/یک/یک است. حال آنکه ایران دارای تاریخی چندهزارساله بود و این نگاه مایه اصلی امتناع از شکل‌گیری دولت-ملت مدرن در ایران بود. عدم فهم ملت تاریخی و مختصان آن بزرگ‌ترین مانع بر سر شکل‌گیری دولت ملی در ایران بوده و هست. این مسئله را مرحوم طباطبایی به‌خوبی بیان کرده بود. تاریخ شروع قرارداد اجتماعی نمی‌تواند امروز باشد. این قرارداد دارای تاریخی طولانی است و اطراف قرارداد دارای تعهدات تاریخی به یکدیگر هستند و به راحتی نمی‌توان حقوق حاصل از این تعهدها را زیر پا گذاشت.

نکته دوم تبیین روشن و واضح طرفین قرارداد است. قاعدتا این قرارداد میان ملت و دولت است. بنابراین، نیاز به یک نظریه روشن برای تعریف ملت، هویت و حقوق آن داریم. بزرگ‌ترین خدمت مرحوم سیدجواد به اندیشه سیاسی ایران همین نکته بود که تلاش کرد تعریفی برای ملت ایران عرضه کند و بنیان آن را بر اندیشه ایران‌شهری گذاشت. مرحوم فیرچی نقدی بر ایده ایران‌شهری نوشت. من در اینجا به‌طور مختصر آن نقد را نقد می‌کنم. مرحوم طباطبایی بر این باور بود که دین از عناصر مقوم ملت ایران بوده و هست. ولی تنها عنصر نبوده است. لذا، وی دین را به عنوان بخشی از فرهنگ ملی ایران تعریف می‌کرد.

مرحوم فیرچی در نقد طباطبایی می‌گوید که «فقره فوق حاکی از ملازمه مهمی در اندیشه طباطبایی است و آن ملازمه این است که استفاده از اصالت امر دینی مستلزم عدم التفات به امر ملی است و برعکس، هرگونه التفات به امر ملی مستلزم اصالت‌نداختن امر دینی است.» سخن فیرچی تا جایی که می‌گوید استقلال و اصالت امر دینی مستلزم عدم التفات به امر ملی است درست است. لیکن، برعکس درست نیست. در اندیشه طباطبایی نیز برعکس نبود. اگر به همین مقاله مرحوم فیرچی رجوع کنید، ایشان به نقل از مرحوم طباطبایی می‌گوید: «یک ملت با فرهنگ آن تعریف می‌شود و دیانت آن ملت نیز بخشی از فرهنگ آن است.» این نشان می‌دهد که مرحوم طباطبایی امر ملی را مستقل از امر دینی نمی‌دانسته و این استاد که پایه و مایه اصلی نقد فیرچی به طباطبایی است، بنیان محکمی ندارد. در جمع‌بندی باید عرض کنم که مرحوم فیرچی خدمت بزرگی در فهم ما از متن دینی در چارچوب نظریه قدرت فوکو در بستر سطح دانش و شبکه قدرت در هر دوره تاریخی کرد. او با پرهیز از ساده‌سازی مفاهیم مدرن و تطبیق شکلی و ظاهری آن با آموزه‌های دینی، هم قرائت جدیدی از مفاهیم دینی را عرضه نمود و هم تلاش کرد که یک فهم دموکراتیک از متن دینی ارائه نماید. اینکه تا چه حد موفق بود، بستگی به گذر زمان و آبدیدگی نظرات وی همچنان مسئله‌اندیش‌های نوین در فیرچی هست چون اکثر اندیشوران حقوق سیاسی مدرن در پی است و البته که قابل نقد است. خیلی خوشحال می‌شوم که اندیشوران هم نظریه مرحوم فیرچی و هم نگاه مرا نقد و تصحیح کنند.

برای همه شما آرزوی توفیق دارم و برای پاک ایشان، علو درجات از درگاه خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

♦من سخدرانی در مراسم گرامیداشت دکتر داود فیرچی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران به دعوت انجمن اسلامی دانشکده آبان‌ماه ۱۴۰۳

## شرکت فردا دیزل موتور

واقع در گمرک منطقه ویژه سلفچگان جهت فروش ضایعات چوب در حجم بالا آماده همکاری با شرایط ویژه نیز می باشد.

از علاقه مندان به این امور جهت بازدید همین روزه دعوت به عمل می آید.

📍قم سلفچگان منطقه ویژه اقتصادی گمرک خیابان استاندارد 📍
☎۰۹۳۶۵۴۸۲۰۳۴ ناصری

## آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص تامین گستر شهرضا

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص تامین گستر شهرضا به شناسه ملی ۱۰۶۸۱۱۴۸۶۸۳ و به شماره ثبت ۱۰۸۷ به استناد صورتحلسه هیئت مدیره مورخ ۱۴۰۲/۰۶/۲۹ ۱۴۰۲/۰۶/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد آقای فضل اله فرازمند به شماره ملی ۱۱۹۸۸۶۳۵۷ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره آقای عبدالرسول خوش نظر به شماره ملی ۱۱۹۸۸۹۶۴۴۲ به سمت مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره آقای محمود عابدی به شماره ملی ۱۱۹۹۳۵۰۸۶۹ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۹ انتخاب گردیدند. اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادهای و از این قبیل با امضای رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل آقای عبدالرسول خوش نظر و همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می باشد. در مورد اوراق عادی و اداری شرکت با امضای آقای عبدالرسول خوش نظر معتبر می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری شهرضا(۱۸۳۰۳۷۲) (۱۸۳۷۴۸۸

## شرق

### خبر

## تأیید دکترین هسته‌ای جدید روسیه

رئیس‌جمهور روسیه با تأیید دکترین جدید هسته‌ای، غرب را به حمله هسته‌ای تهدید کرد. هم‌زمان، دونالد ترامپ با هشدار درباره امکان وقوع جنگ جهانی سوم، خواستار ملاقات با زلنسکی و پوتین شد. روتیزر گزارش داده است که براساس دکترین جدید هسته‌ای این کشور، اگر روسیه یا بلاروس که متحد مسکو است، حق حاکمیت و تمامیت ارضی‌شان به وسیله تسلیحات متعارف جنگی به خطر بیفتد و به خاکشان تجاوز شود، به خود اجازه خواهند داد که دست به حمله هسته‌ای بزنند.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا هم‌زمان با ارسال هشدار پوتین برای حمله هسته‌ای، در صفحه ایکس خود نوشته است: «ناتو باید دست از تهدید مسکو بردارد، من باید با پوتین و زلنسکی دیدار کنم تا از وقوع جنگ جهانی سوم جلوگیری شود». او افزوده است: «ما هرگز به اندازه اکنون به جنگ جهانی سوم هسته‌ای نزدیک نشده‌ایم. ما باید کشور را متوقف کنیم و از جنگ جهانی سوم جلوگیری کنیم». بعد از اینکه دولت بایدن به زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین اجازه استفاده از سلاح‌های آمریکایی را برای حمله به خاک روسیه صادر کرد، پوتین به آمریکا و غرب درباره حمله هسته‌ای هشدار داد.

## خوردوسازی دولتی نیازمند بازنگری است

برای بهبود وضعیت صنعت خوردوسازی، نیاز به یک برنامه جامع وجود دارد که شامل موارد زیر باشد:

۱. شفافیت در قیمت‌گذاری: لازم است که قیمت‌گذاری خوردروها به صورت شفاف و براساس هزینه‌های واقعی تولید انجام شود.

۲. حمایت از نوآوری: دولت باید حمایت‌های لازم را برای تحقیق و توسعه در صنعت خوردوسازی فراهم کند.

۳. تنظیم بازار: ایجاد رقابت سالم در بازار خودرو می‌تواند به بهبود کیفیت و کاهش قیمت‌ها کمک کند.

۴. بررسی قوانین: لازم است که قوانین مربوط به صنعت خودرو بازنگری شوند تا بتوانند پاسخ‌گوی نیازهای واقعی بازار باشند.

صنعت خوردوسازی ایران با چالش‌های متعددی مواجه است که نیازمند توجه ویژه‌ای از سوی مسئولان و سیاست‌گذاران است. اگرچه تکرانی‌های مردم درباره افزایش قیمت‌ها قابل درک است، اما باید توجه داشت که راهکارهای مناسب می‌تواند به حل این مشکلات کمک کند. با ایجاد شفافیت در قیمت‌گذاری، حمایت از نوآوری و صنعت خوردوسازی ایران به سمت بهبود حرکت کند.

کارت خوردرو کوئیک آراس نقره‌ای مشکی مدل ۱۴۰۲

به شماره پلاک ایران ۵۰- ۳۵۵ م ۷۸ و شماره موتور M155019994 و شماره شاسی NAPX212AAP1199792 به نام **اکبر مرادی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز و کارت خوردرومزدN31 رنگ سفید مدل ۹۰ به شماره پلاک ایران ۲۰- ۶۴۳ ی ۹۵ و شماره موتور LF-11134255 و شماره بدنه NAGSXCC23B8602192 به نام **علی حجتی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

بروانه اشتغال به کار نظام مهندسی به شماره ۱۰۱۰۰۰۶۸۲۶ متعلق به **اینجناب احمد خجسته** به شماره شناسنامه ۳۹ و کدملی ۲۰۶۲۷۷۶۱۲۸ مفقود گردیده و شماره عضویت ۱۰۱۰۲۰۴۹۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.